

نقد زبان‌شناختی کتاب زبان فارسی مقطع متوسطه و مسائل آموزشی آن

مهدی سبزواری^{۱*} و فاطمه محمدی^۲

۱- عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور

۲- کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی پیام نور

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۵)

چکیده

کتاب زبان فارسی که به‌عنوان درس کسب مهارت‌های زبانی در برنامه درسی دانش‌آموزان مقطع متوسطه گنجانده شده، حاوی مطالب و محتویات فراوان آموزشی، نگارشی و دستوری است. این کتاب از نظر محققان این مقاله دارای نقایص و کاستی‌هایی است که به جهت اهمیت این درس در نظام آموزش، ضرورت دارد به آن‌ها پرداخته شود. نکته‌ای که مشکل آموزش این کتاب را دوچندان می‌کند، این است که بیشتر دبیران زبان فارسی دانش لازم و تحصیلات مرتبط با آموزش مباحث زبان‌شناسی را در سطح تخصصی ندارند. علاوه‌براین، بیشتر آموزه‌های کتاب به شکل کاربردی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و این یکی از مغایرت‌های کلی کتاب با اهداف آموزش و پرورش است. برخلاف تصور عام که می‌پندارند چون زبان فارسی، زبان رسمی و رسانه‌ای همه دانش‌آموزان است، باید کمترین مشکل در فهم و یادگیری آن وجود داشته باشد، درس زبان فارسی از معدود درس‌هایی است که بیشترین افت تحصیلی در آن وجود دارد. این مقاله کاوشی است در خصوص علل عدم موفقیت دانش‌آموزان در درس زبان فارسی در مقطع دبیرستان. در این مقاله ضمن اشاره‌ای گذرا به کاستی‌های موجود در کتاب و شیوه آموزش آن، برآنیم تا در جهت بهبود آموزش و محتوای آن گامی برداشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: کتاب زبان فارسی، نقد زبان‌شناسی کتب درسی، آموزش زبان فارسی، مهارت‌های زبانی، زبان فارسی مقطع متوسطه.

* E-mail: mehdisabz@hotmail.com

۱. آموزش زبان فارسی

زبان فارسی، زبان رسمی و ملی کشور ماست و مهم‌ترین نهادی که می‌تواند در ترویج آموزش اصول و مبانی آن در کشور تأثیرگذار باشد، وزارت آموزش و پرورش است که با طراحی «درس زبان فارسی» و گنجاندن آن در برنامه درسی دانش‌آموزان، سعی در آموزش بهتر و اصولی آن دارد. در نظام آموزش و پرورش ایران، زبان فارسی وسیله انتقال مفاهیم عمومی و تبادل و درک مفاهیم تخصصی سایر موضوعات درسی مانند فیزیک، شیمی، زیست، ریاضی و غیره است و همین امر برنامه‌ریزان درسی را بر آن داشته تا در برنامه درسی مدارس برای زبان فارسی، کسب مهارت‌های زبانی، قواعد شناخت زبان فارسی و کاربرد درست آن از جانب دانش‌آموزان، اهمیت خاصی قائل شوند.

آموزش زبان رسمی و معیار، از لحاظ کاربرد صحیح آن و نیز از بُعد جامعه‌شناختی، فرهنگی، ملی و فراملی، مقوله‌ای بسیار مهم در آموزش و پرورش هر کشور است و همواره مورد توجه همه دست‌اندرکاران امر، متفکران و ادیبان قرار گرفته است. زبان فارسی، زبان رسمی و معیار کشور ماست و از دیر باز، روش‌های گوناگونی برای آموزش این زبان در مدارس داخل کشور به کار گرفته شده است. به این منظور، کتاب‌های متنوعی تألیف شده که هر یک دارای معیایی هم بوده‌اند.

انجام این تحقیق نه به منظور بالا بردن درصد قبولی دانش‌آموزان، بلکه برای ارائه نظرات دبیران و دانش‌آموزان مقطع دبیرستان درباره کتاب زبان فارسی است تا با انتقال پیشنهادها به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی بر اساس یافته‌های این تحقیق اصلاحات لازم در این کتاب صورت گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که وزارت آموزش و پرورش برای تدریس در این رشته دبیران متخصصی را استخدام و گزینش کند که واحدهای درسی لازم را گذرانده باشند تا دانش‌آموزان پس از به پایان رساندن دوره متوسطه بتوانند بر اساس نیازهای خود از مهارت‌های نگارشی، دستوری و زبان‌شناختی آموخته‌شده در دبیرستان استفاده کنند.

از سال تحصیلی ۷۶-۷۷، کتاب‌های جدیدالتألیف زبان فارسی در مقطع دبیرستان جهت تدریس علمی اصول دستور زبان در نظر گرفته شده است. مجموعه این کتاب درسی، در مقایسه با کتاب‌های دستور سنتی و نگارشی که سال‌های پیش از آن در مقطع دبیرستان تدریس می‌شد،

کامل تر و به روزتر و بر اساس مباحث زبان‌شناسی جدید دنیاست؛ با این حال، این دوره از کتاب‌ها هم نارسایی‌هایی دارند و تدریس مطالب این مجموعه کتاب‌ها مشکلاتی را برای دبیران و دانش‌آموزان این مقطع به وجود آورده است.

سؤال‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. آیا محتوای کتاب زبان فارسی مقطع دبیرستان کامل است یا نارسایی‌هایی دارد؟
۲. آیا دبیران زبان فارسی توانمندی ارائه و تدریس این درس را دارند؟
۳. آیا آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف خود از گنجاندن درس زبان فارسی در برنامه آموزشی دانش‌آموزان، موفق بوده است؟

به منظور فراهم آوردن اطلاعات لازم برای دستیابی به اهداف این تحقیق، دو روش پرسش‌نامه‌ای و کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. ابتدا، پرسش‌نامه‌ای (پیوست ۱) به منظور جمع‌آوری اطلاعات دانش‌آموزان دبیرستان تدوین شد و در اختیار آن‌ها قرار گرفت. سپس، پاسخ آن‌ها به سؤالات مطرح شده در پرسش‌نامه، با توجه به بررسی خود کتاب‌ها توسط نگارندگان و استفاده از نظر محققان قبلی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نگارندگان برای این منظور پرسش‌نامه‌ای شامل ۱۸ سؤال را به ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان مقاطع دوم و سوم دبیرستان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، دادند. با تحلیل داده‌های به دست آمده، علل عدم موفقیت دانش‌آموزان در سه بخش قابل تقسیم بود که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

از آنجاکه هر اثر مهمی پس از انتشار توسط افراد کارشناس و علاقه‌مند مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، کتاب درسی زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنا نیست و توسط صاحب‌نظران و محققان ادب نقد و بررسی شده است. پژوهش‌های افراد مختلف در زمینه‌های گوناگون ولی مرتبط با درس زبان فارسی صورت گرفته است که مسائل و مشکلات نگارشی، نکات دستوری و مسائل دیگر را درباره این کتاب بررسی کرده‌اند و به صورت مقاله، پایان‌نامه و کتاب موجود است. از جمله این مقالات و تحقیق‌ها می‌توان به ارشاد سربابی (۱۳۷۶)، قاسمیان (۱۳۷۶)، عمرانی (۱۳۷۶، ۱۳۷۷)،

آخوندی (۱۳۸۰)، کاووسی‌نژاد و زندی‌مقدم (۱۳۸۲)، علوی‌مقدم (۱۳۸۵) و سلیم‌زاده بناب (۱۳۸۵) اشاره کرد.

۳. نارسایی‌های دستوری و زبان‌شناختی کتاب

تحلیل و بررسی پاسخ‌های دانش‌آموزان به سؤال ۱ تا ۱۰ پرسش‌نامه نشان می‌دهد که از نظر دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، کتاب زبان فارسی از نظر شکل کلی و طراحی برای آن‌ها جذاب نیست. در بررسی اولیه کتاب هم مشاهده شد که کتاب‌ها بسیار ساده و غیرجذاب طراحی شده‌اند و فقط در بعضی موارد برای بیان نمونه‌ها و مثال‌ها از رنگ قرمز و آبی استفاده شده که آن نیز کارگشا نبوده است.

شکایت اصلی دانش‌آموزان ناظر بر متن و محتوای آموزشی این کتاب است. با بررسی ۴ کتاب زبان فارسی (۱)، (۲) و (۳) سایر رشته‌ها و زبان فارسی (۳) تخصصی علوم انسانی نتایج زیر به دست آمده است:

۱. در مقدمه، در بخش دستور زبان فارسی، مؤلفان چنین آورده‌اند: «کوشش شده است که دستور زبان دوره دبیرستان بر مبنای نظریه علمی «ساخت‌گرایی» نوشته شود و در مواردی نیز که نظریه‌های دیگر از جمله «نقش‌گرایی» و «گشتاری» در تحلیل قضایای دستوری موفق بوده‌اند از آن نظریه‌ها استفاده شود و درعین حال در حد امکان از دستور سنتی نیز فاصله گرفته شود»

زبان‌شناسی ساخت‌گرا از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد. مشغله اصلی و مرکزی ساخت‌گرایان پرداختن به ساخت‌های نقشمندی است که در فرایند تعبیر به کار می‌آیند. از آنجایی که در دستورهای ساخت‌گرا توصیف بر اساس ساخت و صورت است و عمدتاً به نشانه‌ها و قراین لفظی تکیه دارد، استفاده از این رویکرد در دستور زبان فارسی باعث به وجود آمدن اشکالاتی شده است که با توجه به نظریه ساخت‌گرایی قابل تعریف و توصیف نیستند. از آن جمله می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

در درس بیست و چهارم زبان فارسی (۱) آمده است که «در سطح واج‌شناسی نیز معلوم می‌کنند که چرا ما در زبان فارسی ساخت‌های واجی از نوع قارچ، مزد، بیست یا نژند را داریم ولی

ساخت‌های واجی از نوع قاچر، نی‌آزد یا ندنژ را به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم داشته باشیم». آنچه مسلم است، واحدهای زبانی قاچر، نی‌آزد، بیزد یا ندنژ از نظر ساخت دچار مشکل نیستند، چراکه دقیقاً از الگوی «صامت + مصوت + صامت + صامت» پیروی می‌کنند و در آن‌ها واج‌های قریب‌المخرج هم به چشم نمی‌خورند، ولی فاقد معنی هستند و لاجرم باید آن‌ها را از صافی معنی‌شناسی عبور داد. نتیجه‌ای که از این مثال حاصل می‌شود آن است که واج‌شناسی به‌عنوان یک سطح از زبان‌شناسی نمی‌تواند فارغ و جدا از معنی‌شناسی باشد و اساساً لفظ و معنی ملازم یکدیگرند.

در درس بیست و سوم همان کتاب، «قیدها» در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته قیده‌های نشان‌دار و بی‌نشان تقسیم شده‌اند. در اینکه قیده‌های نشان‌دار را با توجه به نشانه‌های لفظی تشخیص می‌دهیم تردیدی نیست، اما سخن در این است که قیده‌های بی‌نشان را چگونه می‌توان از سایر اجزای جمله بازشناخت. این مورد هم یکی از چالش‌های نظریه ساخت‌گرایی است.

در صفحه ۹ زبان فارسی ۱ آمده است که: «گفتیم نشانه فعل شناسه است»؛ سؤال اینجاست: در جمله آن پسر توپ را به پسر می‌دهد، آیا نهاد هم نشانه‌ای دارد؟ و در جمله فوق، نهاد کدام است؟ چرا؟ در اینکه فعل دارای شناسه (نشانه لفظی) است تردید نداریم و با نظریه ساخت‌گرایی منطبق است، ولی «آن پسر» به‌عنوان نهاد نشانه لفظی ندارد و نشانه معنوی دارد؛ در این صورت، ما از ساخت خارج می‌شویم و به سمت معنی‌گرایش پیدا می‌کنیم.

نمونه‌هایی از این دست نشان می‌دهند که تحلیل صرفاً ساخت‌گرایانه زبان فارسی کارایی لازم را ندارد. علاوه‌براین، باید گفت نگرش صرفاً ساخت‌گرایانه در اروپا از دهه شصت به بعد سیر نزولی به خود گرفته و آزمون تاریخی خود را پشت سر گذاشته است؛ بنابراین، استفاده از رویکردهای صرفاً ساخت‌گرایانه در تدوین کتب آموزشی زبان در این برهه جای بررسی بیشتری دارد.

۲. حجم زیاد کتاب‌ها موجب شده است اهداف آموزشی تحت‌الشعاع به‌موقع تمام کردن کتاب قرار گیرد. در قسمت توصیه‌هایی برای تدریس و ارزشیابی درس زبان فارسی (۱) در مقدمه آمده است که «به دلیل روش خاص ارائه دستور زبان، ممکن است احساس شود در هر بخش، موارد دستور کامل گفته نشده است. این کار طی سه سال انجام خواهد شد؛ بنابراین، توصیه می‌شود

مباحث دستوری همان اندازه که در کتاب آمده است مطرح شود نه بیشتر از آن. مباحث دستوری به تدریج در سال‌های بعد گسترش خواهد یافت.

به نظر می‌رسد اگر مؤلفان کتاب درسی هر مطلب را به صورت تمام و کامل، از آسان به دشوار، در یک کتاب درسی بیاورند، برای دانش‌آموزان مفیدتر از شیوه کنونی خواهد بود که بر اساس آن، در هر سال قسمتی از یک مطلب را ذکر می‌کنند و در سال‌های بعد، آن را به تدریج گسترش می‌دهند و گاه حتی مطالب درسی زبان فارسی (۳) با مطالب کتاب زبان فارسی (۱) همخوانی و مطابقت چندانی ندارد. با این تغییر، هم از حجم مطالب درسی هرساله کاسته می‌شود و دبیر فرصت بیشتری برای تدریس و ارزشیابی مطالب خواهد داشت، و هم دانش‌آموزان دچار سردرگمی نخواهند شد. برای نمونه، می‌توان گفت که در زبان فارسی (۱) در بحث متمم سخنی از متمم قیدی نیست و بیشتر مثال‌ها به متمم‌های فعلی اختصاص یافته‌اند، در حالی که نمونه‌های متمم قیدی برای دانش‌آموزان بسیار ملموس‌تر از متمم فعلی است و اگر دبیر آن‌ها را جزء متمم‌های اصلی حساب نکند و درباره انواع متمم‌ها توضیح ندهد، برای دانش‌آموز ابهامات بسیاری پیش خواهد آمد. در زبان فارسی (۳)، متمم‌های فعلی از قیدی کاملاً مجزا شده‌اند و حتی متمم‌های قیدی جزء اجزای اصلی جمله آورده نمی‌شوند، اما به این مطلب هم صراحتاً در کتاب اشاره نمی‌شود. علاوه بر این، تصحیح مطالبی که دانش‌آموزان در سال‌های قبل آموخته‌اند، برای دبیر مشکل خواهد بود.

۳. در مقدمه کتاب آورده شده که کتاب حاضر، توصیف فارسی نوشتاری امروز در کتاب‌های درسی است نه فارسی گفتاری و نه عامیانه، نه شعر و نه فارسی روزگار گذشته.

درباره فارسی گفتاری و عامیانه باید گفت که هرچند مؤلفان با دستور جدید نمی‌توانسته‌اند به گونه مذکور بپردازند، ولی ناخواسته در بعضی صفحات کتاب، از مثال‌های فارسی گفتاری استفاده کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، در صفحه ۱۳ کتاب زبان فارسی (۱) و صفحه ۱۲۴ کتاب زبان فارسی (۲)، کلمات «آی» نشانه ندا و «هیس»، «پیشست» و «کیش» شبه‌جمله فرض شده‌اند که این موارد نمونه‌هایی از زبان گفتاری هستند نه زبان نوشتاری.

در ادامه باید گفت که یکی از ویژگی‌های اصلی دستور زبان ساخت‌گرا، توصیف واقعیات، آن‌چنان که وجود دارند، است و این موضوع با ادعای مؤلفان که کتاب بر اساس نظریه ساخت‌گرایی تألیف شده، تناقض دارد، چراکه اگر بخواهیم زبان فارسی را آن‌گونه که هست، مورد بررسی قرار دهیم، باید سبک محاوره‌ای فارسی تهرانی افراد تحصیل کرده را هم مدنظر داشته باشیم، درحالی‌که بیشتر مثال‌ها و نمونه‌های کتاب از زبان رسانه‌ای و تجویزی توسط برنامه‌ریزان زبانی انتخاب شده است.

۴. دخالت آگاهانه برنامه‌ریزان زبانی در حل مسائل زبانی، تجویزگرایی خواننده می‌شود که مغایر با اصول زبان‌شناسی است. در مقدمه کتاب زبان فارسی چنین آمده است: «علم به توصیف واقعیات می‌پردازد. در زبان آنچه واقعیت دارد مدنظر است، گرچه با گذشته زبان و سلیقه شخصی و زیبایی و حتی منطق مغایرتی داشته باشد پس هر چه در فارسی نوشتاری کتاب‌های درسی واقعیت دارد، درست است و در این دستور، چیزی که واقعیت ندارد تجویز نمی‌شود». با وجود این ادعای مؤلفان کتاب، بیشتر بخش‌های قسمت «بیاموزیم»، موارد تجویزی هستند که واقعیت‌های موجود در زبان فارسی را نفی می‌کنند. در این قسمت‌ها موارد نفی‌شده‌ای وجود دارند که در فارسی نوشتاری امروز واقعیت دارند و نویسندگان در نوشته‌های خود آن‌ها را به کار می‌برند؛ برای نمونه، در صفحه ۷۶ کتاب زبان فارسی (۱) توصیه شده که از به‌کارگیری «جمع در جمع» خودداری شود؛ یعنی کلماتی همچون اخبار، اخلاق، مدارک، حواس و غیره که خود جمع‌اند، دوباره جمع بسته نشوند. این در حالی است که در بسیاری از نوشته‌های فارسی امروز، این گونه کلمات جمع بسته شده‌اند: عملیات‌ها، حواس‌ها و غیره، زیرا این کلمات جمع در فارسی مفرد فرض می‌شوند و بنابراین، دوباره جمع بسته شده‌اند. از آنجاکه وجود کلمات جمع‌در جمع یک واقعیت در فارسی است، نباید آن‌ها را نادرست بدانیم.

صفحه ۹۶ زبان فارسی (۳) تخصصی نمونه‌هایی از کلمات دوتلفظی را در جدولی آورده و گفته است که تلفظ‌های ستون اول بر تلفظ‌های ستون دوم ترجیح دارند، درحالی‌که تعداد زیادی از تلفظ‌های ستون دوم برای دانش‌آموزان و دبیران ملموس‌تر و آشنا تر است.

۵. کاربردی بودن یا نبودن مطالب این کتاب‌ها نکته دیگری است که باید در اینجا ذکر شود. توصیه‌های نگارشی این کتاب غالباً در نوشته‌های ادبی و غیرادبی لحاظ نمی‌شوند؛ برای نمونه، در «بیاموزیم» صفحه ۳۷ آمده است که باید از به کار بردن واژه‌های آزمایشات، فرمایشات و نظایر آن‌ها پرهیز کرد، چون در این مثال‌ها کلمات فارسی با نشانه جمع عربی همراه شده‌اند، اما قدماً از منظر آواشناسی به کار بردن این کلمات را بهتر و خوش‌آهنگ‌تر می‌دانستند، چون سگته ندارند، ولی آزمایش‌ها، گرایش‌ها و فرمایش‌ها دارای درنگ و سگته هستند و به گوش انسان گران و ناگوارند. این در حالی است که در ویرایش متون کتاب‌هایی مانند فیزیک و شیمی، از شیوه ویرایش کتاب زبان فارسی استفاده نمی‌شود. حتی در خود کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی نیز این شیوه رعایت نشده است، مانند کلمه «دستورات» در صفحه ۷۱ ادبیات دوم دبیرستان. البته لازم به ذکر است که ترویج و تکرار استفاده از واژه‌های فارسی به شیوه درست در رسانه‌های دیداری و مکتوب می‌تواند به کاربردی شدن این موارد کمک شایانی کند.

۶. به نظر می‌رسد استفاده از کتاب زبان فارسی (۲) با محتوای یکسان در همه رشته‌های تحصیلی (نظری، فنی حرفه‌ای، کار و دانش) درست نباشد. متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان رشته‌های کار و دانش، در مقایسه با دانش‌آموزان سایر رشته‌های نظری، با مشکلات درسی بی‌شماری مواجه‌اند و لازم است که - همچون کتاب زبان فارسی (۳) سایر رشته‌ها که محتوای آموزشی آسان‌تری از کتاب زبان فارسی (۳) تخصصی علوم انسانی دارد - مخصوصاً برای شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش در سال دوم نیز کتاب جداگانه‌ای تألیف شود تا مشکلات عدیده‌ای که دبیران زبان فارسی (۲) در مدارس کار و دانش دارند، پیش نیاید.

۷. یکی از نقاط ضعف کتاب‌های زبان فارسی دوره دبیرستان مجزا بودن قسمت‌های زبان‌شناسی، دستور، نگارش و املاء از یکدیگر است. علاوه بر اینکه مطالب هر کدام از این بخش‌ها با یکدیگر مرتبط نیستند، ممکن است در ذهن دانش‌آموزان هم این تصور به وجود بیاید که این قسمت‌های مجزا هیچ ارتباطی با هم ندارند، در حالی که در عمل، زبان‌شناسی و دستور و املاء با هم یکی هستند و همه آن‌ها در نگارش صحیح به کار می‌روند.

۸. در این کتاب‌ها برای مطالبی که برای اولین بار مطرح می‌شوند، توضیحات و مثال‌های کافی و مناسبی ارائه نشده است؛ برای نمونه، در درس نهم زبان تخصصی (۳) علوم انسانی برای متمم اسم، نمونه‌ها ناکافی‌اند که این امر باعث عدم یادگیری مطلب توسط دانش‌آموز می‌شود. این در صورتی است که تشخیص انواع متمم دشواری بزرگ این درس و دروس دیگر زبان فارسی است.

۹. تمرینات و خودآزمایی‌های پایانی درس به گونه‌ی مناسبی طراحی نشده‌اند که بتوانند مطالبی را که دانش‌آموزان در هر درس آموخته‌اند، بیازمایند و تمرین مناسبی برای یادگیری بهتر آن‌ها باشند. تمرینات هر درس، معمولاً فقط مختص آن درس نیست، زیرا گاه مطالب آموخته‌شده در درس قبلی نیز در تمرین‌ها آمده‌اند و گاهی هم مطالبی در خودآزمایی‌ها مورد سؤال قرار گرفته‌اند که دانش‌آموز قبلاً درباره‌ی آن‌ها چیزی نیاموخته است؛ به‌عنوان مثال، در خودآزمایی درس هفتم زبان فارسی (۳) تخصصی، از دانش‌آموز خواسته شده جملات مرکب را به‌وسیله‌ی تأویل به جملات ساده تبدیل کند، درحالی‌که دانش‌آموز در کتاب زبان فارسی هرگز چیزی درباره‌ی اصطلاح تأویل نیاموخته است.

در نمونه‌ی دیگر در خودآزمایی ۱ درس ۱۲ زبان فارسی (۱)، عبارت «یک گله گوسفند» به کار رفته، درحالی‌که ممیز گله در زبان فارسی (۳) آموزش داده می‌شود.

۱۰. بیشتر نکته‌های کوتاه «بیاموزیم» کتاب زبان فارسی (۳) تخصصی از مبانی و مطالب مهم مربوط به زبان‌شناسی هستند که با تنها چند جمله و در توضیح چنددقیقه‌ای دبیر، بیشتر دانش‌آموزان متوجه مطلب نمی‌شوند و جمع شدن این ابهامات در ذهن دانش‌آموز منجر به نمرات کم و دل‌زدگی وی از این درس می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به «بیاموزیم» صفحه ۱۱۹ و ۱۱۸ کتاب یادشده اشاره کرد که در آن‌ها به فرایندهای واجی پرداخته شده است، درحالی‌که هرکدام از این «بیاموزیم‌ها» می‌توانند حداقل موضوع یک درس و یک جلسه از تدریس باشند تا مطالب به‌طور کامل به دانش‌آموزان فهمانده شود.

همچنین، در درس دهم همین کتاب در بیان نحوه‌ی نگارش ادبی، به‌صورت خیال پرداخته شده که تقریباً تکرار مطالب آموزشی کتاب آرایه‌های ادبی در همین پایه است و دانش‌آموزان در زمان تدریس این درس، بیشتر مطالب آن را نخوانده‌اند. حتی اگر دبیر بخواهد هرکدام از این مطالب را به

صورت کامل تدریس کند، باید چندین جلسه آموزشی را برای این درس صرف کند، درحالی که فرصت کافی وجود ندارد.

۱۱. نکته دیگر اینکه درس‌هایی مانند درس سوم زبان فارسی (۲) باعث می‌شود دانش‌آموزان به دلیل سخت و پرمطلب بودن درس، از کتاب زبان فارسی دل‌زده شوند، چراکه این درس بیشتر مطالب بخش بیاموزیم این سال و سال قبل را دربرمی‌گیرد و در آن مطالبی آورده شده که فهم و یادگیری آن‌ها برای دانش‌آموز سال دوم مشکل است، مانند این مطلب: در جمله‌ای که نهاد در آن وجود داشته باشد، نباید از فعل مجهول استفاده شود.

درس نهم زبان فارسی (۳) تخصصی از آن دسته دروسی است که بیشتر مطالب آن کاملاً برای دانش‌آموزان جدید است و حجم فوق‌العاده زیادی دارد، به طوری که از حوصله آن‌ها خارج است و نمی‌توانند همه آن مطالب را در یک جلسه در ذهن خود سازمان‌دهی کنند. به مؤلفان پیشنهاد می‌شود که برخی از مطالب زبان‌شناسی و دستوری را در دروسی مجزا به صورت مطالعه آزاد برای دانش‌آموزان بیاورند تا آن‌ها به دور از دغدغه امتحان، فرصت و امکان مطالعه مطالب جدید را داشته باشند.

۴. تأثیر تحصیلات دبیران در آموزش

در این بخش سعی بر آن است تا علت عدم موفقیت دانش‌آموزان در این درس از منظری بررسی شود که سؤالات ۱۱ تا ۱۵ پرسش‌نامه به آن می‌پردازد. با توجه به پاسخ‌های اکثر دانش‌آموزان دبیرستان، بیشتر دبیران زبان فارسی در ارائه قسمت‌های مربوط به زبان‌شناسی در کلاس با مشکلاتی روبه‌رو هستند. دبیرانی که کتاب‌های زبان فارسی را در دبیرستان‌ها تدریس می‌کنند، غالباً فارغ‌التحصیل رشته‌های دبیری زبان و ادبیات فارسی و یا زبان و ادبیات فارسی محض در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و بعضاً دکتری هستند و اکثراً در جای خود دبیرانی باسواد و آموخته‌اند، اما دبیرانی که در دانشگاه، آموزش زبان‌شناسی را به صورت تخصصی ندیده باشند، نخواهند توانست به نحو مطلوب درس‌های مربوط به زبان‌شناسی و همین‌طور دروس دستور زبان را که کاملاً منطبق با زبان‌شناسی هستند، به دانش‌آموزان ارائه کنند و تنها می‌توانند در همان حد درک و فهم ابتدایی و سطحی که خود دانش‌آموز هم می‌تواند از مطالب ارائه‌شده در درس

برداشت کند، مطالب را آموزش دهند. نتایج پاسخ دانش‌آموزان به پرسش‌نامه و سؤالات مربوط نیز نمایانگر این است که اکثر دبیران کتاب زبان فارسی، تسلط کافی بر مطالب زبان‌شناسی کتاب ندارند و دانش‌آموزان از نحوه ارائه این درس در کلاس کاملاً متوجه این امر می‌شوند. به دلیل اینکه دبیران تسلط و اشراف کافی بر مطالب این قسمت ندارند و تقریباً با بی‌علاقگی این درس را تدریس می‌کنند، در دانش‌آموزان هم برای پژوهش در این حوزه انگیزه‌ای ایجاد نمی‌شود.

محقق کار میدانی این مقاله، به‌عنوان دبیر زبان فارسی و دانشجوی زبان‌شناسی، خود شاهد این بود که مطالب کاملاً بدیهی برای دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی، برای دبیران زبان و ادبیات فارسی مشکل و مبهم است. اگر آموزش و پرورش چاره‌ای بیندیشد و از فارغ‌التحصیلان زبان‌شناسی برای تدریس این درس در مدارس استفاده کند، هم مطالب این درس کاملاً برای دانش‌آموزان تفهیم خواهد شد و مشکلات زبان‌شناختی‌ای که امروزه در جامعه وجود دارد، به حداقل می‌رسد، و هم برای فارغ‌التحصیلان زبان‌شناسی که به‌تازگی در مقطع کارشناسی نیز تحصیل می‌کنند، بازار کار مرتبط با تحصیلاتشان به وجود خواهد آمد و انگیزه‌ای برای دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در این رشته خواهد شد.

۵. مغایرت کلی کتاب با اهداف آموزش و پرورش و غیرکاربردی بودن آن

سؤالات ۱۶ تا ۱۹ به بررسی کاربردی بودن کتاب زبان فارسی برای دانش‌آموزان پرداخته است. بررسی پاسخ‌های آن‌ها به‌طور ضمنی به ما نشان می‌دهد که در این زمینه نیز آموزش و پرورش چندان موفق نبوده است. حال به بررسی اهداف آموزش و پرورش از منظر خود کتاب می‌پردازیم.

در مقدمه هر چهار کتاب زبان فارسی، اهداف کلی آموزش زبان فارسی در سه بخش مجزای شناختی، نگرشی و مهارتی آورده شده است. اگر فرض کنیم که دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف شناختی این کتاب‌ها موفق بوده و توانسته‌اند باشند این درس را با موفقیت در دبیرستان پشت سر بگذارند و حتی به نگرش به زبان فارسی و اهمیت آن، چنان‌که مدنظر مؤلفان است، رسیده باشند، باید دید که آیا دانش‌آموزان دبیرستانی در رسیدن به اهداف حوزه مهارتی این کتاب‌ها نیز موفق بوده‌اند یا خیر.

اهداف مهارتی بسیاری برای این کتاب‌ها در مقدمه کتاب‌های مذکور آورده شده است که مهم‌ترین آن‌ها که مدنظر نگارندگان بود، در ذیل به صورت خلاصه آورده می‌شود: مهارت در به‌کارگیری نکات املائی و نگارشی، توانایی سریع و صحیح خواندن متون، مهارت در گفت‌وگو و فن بیان به زبان فارسی معیار، توانایی نگارش درست ساختار صرفی و نحوی زبان فارسی، توانایی ساده‌نویسی و خلاصه‌نویسی، توانایی در نگارش نوشته‌های رایج تهیه و تنظیم مقاله، مهارت در تهیه گزارش‌های علمی و ادبی و مهارت در تحقیق و پژوهش. در یک نگاه اجمالی به اهداف مهارتی ذکرشده، به‌عنوان کسانی که در جامعه در میان فارغ‌التحصیلان دبیرستان و حتی دانشگاه زندگی می‌کنند، می‌توانیم بگوییم که درصد بالایی از اهداف مهارتی که مدنظر مؤلفان کتاب‌ها بوده، محقق نشده است و نیاز به تحقیق و بررسی پیشرفته‌ای برای درک و رسیدن به این مطلب نیست. ممکن است حتی به‌مزاح بارها و بارها شنیده باشیم که فلان شخص با مدرک دیپلم یا لیسانس قادر به نوشتن حتی یک نامه اداری نیست و به این صورت، همه توانایی‌ها و سواد شخصی فرد مورد نظر زیر سؤال می‌رود.

در بررسی دوباره مطالب کتاب‌های زبان فارسی، می‌توانیم ببینیم که بیشتر دروس این کتاب‌ها کاربردی نیستند؛ یعنی در زندگی روزمره دانش‌آموزان به کار نمی‌آیند و مطالب صرفاً برای آشنا کردن دانش‌آموزان با انواع زبان، قالب و شیوه بیان در درس‌های مختلف بیان شده است.

با وجود محفوظات فراوان، دانش‌آموزان اغلب در نوشتن دچار مشکل می‌شوند. شیوه ارزشیابی پایانی نیز در جهت سنجش میزان محفوظات آن‌هاست، نه سنجش مهارت نوشتاری آن‌ها. با توجه به وقت محدود و کار بسیاری که نوشتن مقاله، گزارش و غیره می‌طلبد، عملاً امکان تمرین این قالب‌های نوشتاری وجود ندارد. درواقع، فرایند نوشتن و نگارش به‌طور عملی در کلاس‌های زبان فارسی دنبال نمی‌شود و آنچه کتاب‌های درسی ما به آن نیاز دارد، آموزش «چگونه» نوشتن در کنار تأکید بر «چه» نوشتن است.

سرانجام، درباره دروسی که در این کتاب‌ها به نگارش تحقیق، مقاله، گزارش‌های علمی و ادبی می‌پردازند، باید گفت به روش‌های پیشرفته رایج مانند بهره‌برداری از اینترنت و نرم‌افزارهای رایانه‌ای که برای دانش‌آموزان استفاده از آن‌ها راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از روش‌های سنتی است،

پرداخته نشده است و از طرف دیگر، در بسیاری از مدارس ابزار مناسب آموزش این درس (کتاب و نشریات تخصصی گوناگون) موجود نیست. در خودآزمایی درس‌ها نیز تمرین‌های کتابخانه‌ای داده می‌شود که اکثر دانش‌آموزان فرصت و توانایی پرداختن به آن را ندارند و حتی در صورت انجام آن‌ها توسط دانش‌آموزان، فرصت بازبینی این تکالیف برای دبیران وجود ندارد؛ در نتیجه، این درس هم نه به صورت علمی و کاربردی، بلکه به صورت حفظ و بازشناسی آن‌ها به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق سعی کردیم به آن بپردازیم، ضرورت تحقیق و به‌روزرسانی مطالب و محتوای کتاب‌های آموزشی زبان فارسی است تا با رفع اشکالات دستوری و زبان‌شناختی وارد بر این کتاب‌ها، مطالب و محتوای آن‌ها علمی‌تر و کاربردی‌تر باشند تا باعث سردرگمی دانش‌آموزان و دبیران نشود. زبان‌شناسی جدید هرچند علمی نوپا در ایران امروزی ماست، ولی باید سعی شود در کتاب‌های درسی، قواعد و مبانی آن به‌درستی و کمال به دانش‌آموزان آموخته شود.

همچنین، سعی شده به مؤلفان کتب درسی یادآوری شود که در زمینه نگارشی نیز این کتاب‌ها کاستی‌های بسیاری دارند که باعث دور شدن دانش‌آموزان از اهداف آموزش و پرورش شده است. آن‌ها از انواع نگارش‌ها، تنها نام آن‌ها را می‌آموزند و نوشتن، حتی در سطح متوسط، برای بیشتر دانش‌آموزان رؤیایی بیش نیست، درحالی‌که پس از فارغ‌التحصیلی در همهٔ مراحل زندگی و شغلی خود به مهارت‌های نوشتاری فراوانی نیاز دارند.

نتایج کلی مقاله عبارت‌اند از:

۱- محتوای آموزشی کتاب زبان فارسی مقطع متوسطه علاوه بر پر حجم بودن، دارای نارسایی‌ها و اشکالات زبان‌شناختی است.

۲- به دلیل اینکه اکثر دبیران زبان فارسی، فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی هستند، به نظر می‌رسد در ارائهٔ مطالب جدید درس زبان فارسی با مشکلاتی مواجه شوند.

۳-اکثر فارغ التحصیلان دبیرستان توانایی استفاده از مطالب آموخته شده در این دروس را به صورت کاربردی و عملی ندارند.

و سخن آخر نیز با مسئولان وزارت آموزش و پرورش است که باید برای تربیت دبیران زبان و ادبیات فارسی مورد نیاز خود، با آموزش عالی و دانشگاه‌ها هماهنگی و همفکری داشته باشند و مطالبی را که تدریس آن‌ها در آموزش و پرورش به دانش‌آموزان ضروری است، به آموزش عالی یادآور شوند تا در تربیت دبیران و کارشناسان متخصص، آن مطالب آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان گنجانده شود. در این صورت، هم دبیران با اعتماد به نفس کافی سر کلاس‌ها حاضر خواهند شد و هم دانش‌آموزان بهره‌کافی را از کلاس درسی خود خواهند برد.

پیوست ۱ (پرسش‌نامه)

دانش‌آموز عزیز

با عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما

سؤالات زیر به منظور دستیابی به نظرات شما درباره محتوای کتاب زبان فارسی دبیرستان تهیه شده است. خواهشمند است سؤالات را به دقت مورد مطالعه قرار داده و نظرات خود را با توجه به گزینه‌ها و با گذاشتن علامت * در داخل مربع اعلام فرمایید.

با تشکر از دقت و همکاری صمیمانه شما

۱. مطالب کتاب تا چه حدی برای شما جذاب و جالب است؟

۲. اصطلاحات، مفاهیم، لغات و اطلاعات به کاررفته در مطالب درسی تا چه اندازه‌ای برای شما آسان و قابل فهم است؟

۳. آیا در محتوای کتاب مطالبی وجود دارد که بدون ضرورت تکرار شده و حجم کتاب را انباشته کرده است؟

۴. میان چهار درس (دستور، نگارش، املاء و زبان‌شناسی) تا چه حدی ارتباط وجود دارد؟

۵. بیان نکات دستوری در این کتاب تا چه حدی شما را در راحت‌تر نوشتن یاری می‌کند؟

۶. بیان نکات نگارشی در این کتاب تا چه حدی شما را در راحت‌تر نوشتن یاری می‌کند؟

۷. بیان نکات زبان‌شناسی در این کتاب تا چه حدی شما را در راحت‌تر نوشتن یاری می‌کند؟
۸. بیان نکات املاء و بیاموزیم در این کتاب تا چه حدی شما را در راحت‌تر نوشتن یاری می‌کند؟
۹. دروس آموزش املاء این کتاب تا چه حدی کاربردی است؟
۱۰. تمرینات کتاب تا چه حدی دانش‌آموزان را در یادگیری بهتر مطالب درسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها کمک می‌کند؟
۱۱. تا چه اندازه‌ای محتوای کتاب موجب فرضیه‌سازی، خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان می‌شود؟ (مثلاً بتوانند یک داستان تخیلی خیلی خوب بنویسند)
۱۲. میزان تسلط دبیران‌تان به مطالب کتاب چقدر است؟
۱۳. نحوه تدریس این کتاب توسط دبیران‌تان چقدر در یادگیری شما مؤثر بوده است؟
۱۴. میزان اهمیت دادن به درس زبان فارسی از سوی مدرسه شما چقدر است؟
۱۵. دبیران زبان فارسی‌تان چقدر در ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل شما در رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی مؤثر بوده‌اند؟
۱۶. میزان آگاهی شما از ارتباط زبان‌شناسی با سایر علوم چقدر است؟
۱۷. میزان کاربرد مطالب گفته‌شده در قسمت نگارش در مسائل واقعی و مورد نیاز جامعه و فرد چقدر است؟
۱۸. میزان کاربرد مطالب گفته‌شده در قسمت دستور در مسائل واقعی و مورد نیاز جامعه و فرد چقدر است؟
۱۹. میزان کاربرد مطالب گفته‌شده در قسمت زبان‌شناسی در مسائل واقعی و مورد نیاز جامعه و فرد چقدر است؟
۲۰. میزان کاربرد مطالب گفته‌شده در قسمت املا و بیاموزیم در مسائل واقعی و مورد نیاز جامعه و فرد چقدر است؟

- غیر از موارد پرسش‌شده اگر مطلب دیگری به نظرتان می‌آید بنویسید.

پیوست ۲ (پاسخنامه)

ردیف	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					
۸					
۹					
۱۰					
۱۱					
۱۲					
۱۳					
۱۴					
۱۵					
۱۶					
۱۷					
۱۸					
۱۹					
۲۰					

منابع:

- آخوندی، عبدالحمید. (۱۳۸۰). «نمودارهای دستوری». مجله رشد زبان و ادب فارسی. س ۱۵، ش ۵۷. ۷-۲۶.
- ارشاد سرابی، اصغر. (۱۳۷۶). «بررسی اجمالی کاستی‌های کتب درسی در دوره متوسطه». در قلمرو آموزش زبان و ادب فارسی. ۱۱-۱۹. تهران: انتشارات مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی.
- حق شناس، علی محمد و دیگران. (۱۳۹۰). *زبان فارسی (۱)*، سال اول دبیرستان. وزارت آموزش و پرورش، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.
- _____ (۱۳۸۶). *زبان فارسی (۲)*، سال دوم دبیرستان. وزارت آموزش و پرورش، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- _____ (۱۳۸۶). *زبان فارسی (۳)*، سال سوم دبیرستان *شاخه نظری به استثنای ادبیات و علوم انسانی*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- _____ (۱۳۸۶). *زبان فارسی (۳)*، سال سوم دبیرستان *شاخه نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- سورن، پیترا. ام (۱۳۸۸). *مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب*، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: سمت
- سلیم زاده بناب، سیما. (۱۳۸۵). *نقد و بررسی مباحث نگارشی کتاب‌های مقطع راهنمایی و دبیرستان*. به راهنمایی دکتر گلناز مدرسی قوامی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- علوی مقدم، بهنام. (۱۳۸۶). «پژوهشی در کتاب‌های زبان فارسی مقطع دبیرستان با تأکید بر نکات دستوری»، *ویژه‌نامه فرهنگستان*. شماره ۳. ۱۶۷ - ۱۸۶.
- عمرانی، غلامرضا. (۱۳۷۶، ۷۷). «در حاشیه دستور زبان فارسی جدیدالتألیف». *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، س ۱۱ و ۱۲. ش ۴۳، ۴۴؛ صص ۸۶-۹۳؛ ۲۴-۳۱؛ ۴۰-۴۴.
- قاسمیان، خسرو. (۱۳۷۶). «ارائه روش‌های کاربردی برای بهبود کیفیت آموزش زبان و ادب فارسی». در *قلمرو آموزش زبان و ادب فارسی*. ۱۵۶-۱۶۵، تهران: انتشارات مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی.
- کاووسی نژاد، سهیلا و زهرا زندی مقدم. (۱۳۸۲). «وضعیت آموزش دستور در نظام آموزش و پرورش». *مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی. ۶۳۲-۶۷۲.

